

آیین نوروز باستانی

سال های ایرانی

دکتر فاروق صفی زاده



سال های خوک ۱۳۹۸-۱۳۸۶-۱۳۷۴-۱۳۶۲-۱۳۵۰×۱۳۳۸-۱۳۲۶-

۱۳۱۴

سال های داخل کادر، سنوات موسوم به آتشین بوده و برای هر یک از سال های جانوری، شدت و قدرت بیشتری می باید. در ایران باستان، هر جانوری سمبل چیزی بوده و معنی و مفهوم خاصی داشته که بر پایه ی این معانی، برای هر دوره در سال، نام جانوری بر آن اطلاق شده است:

۱- موش

معانی سمبلیک (نمادین): آبستنی، انهدام، بی نظمی، پلیدی، قریب الوقوع، ترسویی، تولید مثل، فقر، مرگ، باورهای قومی و اساطیری: تعداد کثیری موش، علامت جنگ - یکی از صوری که روح، بعد از مرگ بدان درمی آید. به عنوان یکی از کوچک ترین و خسیس ترین حیوانات؛ سمبل تواضع و فروتنی - موش، همچنین به عنوان سمبل محبت، مهربانی و نوازش نیز شناخته شده است. موش های خاکستری؛ دردسره های کوچک، فقر، فعالیت مخفیانه. موش های سفید و سیاه؛ روز و شب.

۲- گاو

۱.۲- گاو نراهلی

معانی سمبلیک: آگاهی، انرژی تولید کننده، باروری، پایداری، تحمل، توانمندی، ثروت، حاصلخیزی، خلاقیت، رنج، سودمندی، شکیبایی، قدرت زندگی، کار، کشاورزی، گرما و روشنایی عظیم خورشید، وفور و همچنین بی دقتی، بی عاطفگی، خونسردی، حماقت، غرور.

باورهای قومی و اساطیری: در علائم نجابت خانوادگی؛ مبین ارزش مادی، بزرگواری، دلیری و شجاعت، علو طبع - مقام گاو در

نام های جانوری و معانی

۱- موش ۲- گاو ۳- پلنگ

۴- خرگوش ۵- نهنگ ۶- مار

۷- اسب ۸- گوسپند ۹- میمون

۱۰- مرغ ۱۱- سگ ۱۲- خوک

سال های موش ۱۳۸۷-۱۳۷۵-۱۳۶۳-۱۳۵۱×۱۳۳۹-۱۳۲۷-۱۳۱۵-

۱۳۰۳

سال های گاو ۱۳۸۸-۱۳۷۶-۱۳۶۴-۱۳۵۲-۱۳۴۰×۱۳۲۸-۱۳۱۶-

۱۳۰۴

سال های پلنگ ۱۳۸۹-۱۳۷۷×۱۳۶۵-۱۳۵۳-۱۳۴۱-

۱۳۰۵-۱۳۱۷×۱۳۲۹

سال های خرگوش ۱۳۹۰-۱۳۷۸×۱۳۶۶-۱۳۵۴-۱۳۴۲-۱۳۳۰-

۱۳۰۶×۱۳۱۸

سال های نهنگ ۱۳۹۱-۱۳۷۹×۱۳۶۷-۱۳۵۵-۱۳۴۳-۱۳۳۱-

۱۳۰۷×

سال های مار ۱۳۹۲-۱۳۸۰-۱۳۶۸-۱۳۵۶×۱۳۴۴-۱۳۳۲-۱۳۲۰-

۱۳۰۸

سال های اسب ۱۳۹۳-۱۳۸۱-۱۳۶۹-۱۳۵۷×۱۳۴۵-۱۳۳۳-۱۳۲۱-

۱۳۰۹

سال های گوسپند ۱۳۹۴×۱۳۸۲-۱۳۷۰-۱۳۵۸-۱۳۴۶-

۱۳۱۰-۱۳۲۲×۱۳۳۴

سال های میمون ۱۳۹۵-۱۳۸۳×۱۳۷۱-۱۳۵۹-۱۳۴۷-۱۳۳۵-

۱۳۱۱-۱۳۲۳

سال های مرغ ۱۳۹۶-۱۳۸۴×۱۳۷۲-۱۳۶۰×۱۳۴۸-۱۳۳۶-۱۳۲۴-

۱۳۱۲×

سال های سگ ۱۳۹۷-۱۳۸۵-۱۳۷۳×۱۳۶۱-۱۳۴۹×۱۳۳۷-۱۳۲۵-

۱۳۱۳

۴- خرگوش

- × معانی سمبلیک: آبستنی، آوارگی، بی ثباتی، بیداری، تخریب نامنظم، تیزپایی، زندگی اجتماعی، گیاه خواری، ملائمت، نرمی، نگهبانی، ولگردی.
- × باورهای قومی و اساطیری: حیوانی که در ماه زندگی می کند و اوقات خود را به جست و جوی اکسیر حیات می گذراند.
- × پای خرگوش: شانس خوب.
- × خرگوش خاکستری: ازدواج - خرگوش سفید: دوستی، موفقیت - خرگوش سیاه: دروغ.

۵- نهنگ

- × معانی سمبلیک: احساسات تند، بزرگی، تنومندی، شهوت، فریبکاری، نیروی فاقد تعقل و تفکر.
- × باورهای قومی و اساطیری: یکی از صورت های فلکی در آسمان جنوبی - در افسانه های کهن؛ گمراه کننده ی ملاحان - نگاهدارنده دنیا- عامل زمین لرزه - حیوان بهشتی.
- × دهان نهنگ: دروازه ی جهان پس از مرگ.
- × شکم نهنگ: دوزخ.

۶- مار

- × معانی سمبلیک: آلت رجولیت، بی وفایی، پلیدی، تجدید حیات، حيله گری، خیانت، دو جنسی، شیطان، عقل، نیروهای متضاد، تجلی الاهی، دایره ی جهانی، تندرستی، محافظت، مرگ، نوسازی، وسوسه و هوش.
- × باورهای قومی و اساطیری: علامت پزشکان در ده هزار سال پیش در ایران زمین - وجهی از خدایان زمینی و تندرستی - قهرمانان مرد - ابلاغ کننده ی پیام الاهی - تجسمی از ابرهای بارانزا - ایزدان زمینی - دریا - به عنوان تجسم مجدد انسان متوفی - روح نیای ارمنیان آریایی که در تولید مثل خانواده و حاصل خیزی مزارع سهیم است - آگاهی از رازهای زندگی - علامت مهر و مسیح - حافظ گنج های زیرزمین.
- × رقص مقدس مار: در بسیاری از نقاط دنیا، نوعی مراسم به منظور نشو و نمای گیاه که در این ارتباط، مار به عنوان سمبل حاصل خیزی زمین و فراوانی باران به کار رفته است.
- × مار با سر افراشته: افسون، دلفریبی.
- × دو مار: اصول مذکر و مؤنث - خیر و شر.
- × عبور بدن انسان در بدن مار: انتقال نور در تاریکی - تطهیر نور توسط دانش.
- × مار بالدار: آشتی، رستگاری، روح تمام دانش ها، رهایی، فرشته ی سپیده دم، مصالحه، نیکوکار.
- × مار پیچیده به دور درخت: نشانه ی درخت زندگی، وسوسه.
- × مار حلقه زده به دور کوه: آلت رجولیت.
- × مار در حال گاز گرفتن دم خود: ابدیت، خود تغذیه ای، منطقه ی بروج.

ادامه...

زمین برابر ثور taurus در آسمان است، زیرا وی در کشتکاری زمین نقش مؤثری دارد. حیوان منتسب به روح غلات - علامت خورشید و علامت میتر - در اساطیر ایرانی، گاو زمین خشکیده ی نخستین را با شاخ های خود حفر می کند و به آب می رسد و دریاچه ها و رودخانه ها از آب آن شکل می گیرند. سمبل بهار - حیوان منتسب به مهر (مسیح). نشانگر رنج و خستگی ناپذیری برای اصلاح بشریت - شکلی از گئوش ورون [روان گاو نخستین که در بندهشن آمده است؛ نخستین آفریده ی آهورامزدا، ورزاو (گاونر) بود.] و سرستوک soak-sar (گاو نر نخستین که مردمان بر پشت او سوار شدند و از دریای نخستین عبور کردند) سمبل ابر، باران، توفان. این سمبل همچنین علامت فرقه ی ذن zen بودایی نیز هست.

جمعیه ی گاو: فناپذیری، مرگ. آن را با شاخ و گل مزین می کنند و در پاره ای از اعیاد، به عنوان یادآوری مرگ به کار می برند.

- گاو، با سری از شیر: حاصل خیزی و قدرت زمین.
- یوغ گاو: قدرت روحی و همچنین؛ بردگی، منع.
- گاو کوهان دار وحشی: رستاخیز.

۲-۲. گاو ماده

- معانی سمبلیک: بی گناهی، شرافت، فراوانی محصول، لبنیات، نعمت و همچنین؛ بی مهارتی، حماقت.
- باورهای قومی و اساطیری: نشانه ی هرج و مرج، مادر تمام آفریده ها - جانور مقدس هرا hera - تمایلات جنسی و ایزد توفان، که مولد باران است.
- چرم گاو ماده: در جشن های عروسی سمبل فراوانی - زنان، در دوران بارداری، آن را به عنوان طلسمی برای زایمان آسان حمل می کنند.
- شاخ گاو ماده: رسالت، عقل، علامت خورشید یا ماه.
- گاو شیرده: در اساطیر آریایی، تعبیری از باران و گاهی خورشید درخشان.
- گاو ماده ی سفید: شکلی از آیو ayo
- گاو ماده و گوساله: مادر و فرزند.

۳- پلنگ

- معانی سمبلیک: پنهان کاری، پیروزی، چالاکی، سرعت، شب، شجاعت و همچنین؛ حيله گری، دزدی، درنده خویی، شهوت، کسی که ضربه ی ناگهانی را می زند، گوشتخواری، گناه.
- باورهای قومی و اساطیری: فردی که ضربه ی غیرمنتظره می زند. این جانور به سبب خال های روی بدن اش که به کره ی چشم شباهت دارد، سمبل خدای خدایان یا نگهبان و پاسدار محسوب شده است - در افسانه ها، جانور درنده یی که قهرمان اساطیری از وی زاده می شود. از این رو، سمبل روز قیامت و بازگشت به حیات است - در نشان های نجابت خانوادگی، جنگ جوی دلاور و نیرومندی که درگیر اقدامات متهورانه گردیده است - علامت بازگشت مهر، به منظور نجات بشریت از گناه.

• پلنگ با چهار بال: نشانگر اشکنتار مغانی هورومیک (اسکندر مقدونی)